

پرسش ۶۰۱: رؤیای اینکه پدرم عادل امام است.

السؤال / ۶۰۱ : بسم الله الرحمن الرحيم

السلام على أبتى الإمام محمد بن الحسن (ع)، السلام على أبتى الإمام أحمد
الحسن يمانى آل محمد (ع).

پرسش ۶۰۱: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر پدرم امام محمد بن الحسن (ع)، سلام بر پدرم امام احمد الحسن يمانى آل
محمد (ع).

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

رأيت في منامي فجر يوم الأربعاء الموافق ٢٥ صفر ١٤٣٢ بأنني واقف أمام
والدي وهو الممثل عادل إمام (في الرؤيا اسمه عادل إمام) وليس ممثلاً وكأنه
صاحب شركة كبيرة ويريد السفر إلى مكان بعيد، وإن سفره حسب ما أذكر يكون
لمدة طويلة، فقال لي: سوف تكون أنت المسؤول على الشركة، وكان مرتاحاً
ومطمئناً للأمر، وكأنه واثق مني، فقلت له بابتسامة: إنني والله لا أستطيع ذلك،
وتوسلت به أن يعفيني من ذلك ولكنه أصرّ على أمره باطمئنان تام فقبلت الأمر،
وعندها استدرت وشاهدت مباشرة أحد الممثلين مع عادل إمام في إحدى
المسرحيات وهو شخص أقرع (أنزع)، فكان هذا الشخص يتكلم عن الرقم إما
٦٠٠٠٠٠٠ أو ٦٠٠٠٠٠٠ لا أتذكر بالضبط، وأراد هذا الشخص أن يحذف الصفر
الأخير للرقم حتى يقل العدد وكان أمره مريباً وهو يعلم ذلك، وكان بالقرب منه عدد
من الأشخاص وكأنه يريد الاحتيال عليهم، فقال: إن رفعت الصفر يقل العدد وهذا
ليس بمشكلة، ثم بعد ذلك أراد حذف الصفر الأخير من الرقم ٥٠٠٠٠ ألف حسبما
أذكر وذلك ليقل العدد إلى ٥٠٠٠ حيث ونتيجة لفعله هذا وقفت بوجهه وأمرته بأن
يرجع عن أمره وكان لي السلطة عليه، فانتهى رغماً عنه، والحمد لله رب
العالمين.

در سحر روز چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۴۳۲ (۱۰ بهمن ۱۳۸۹) در خواب دیدم که گویی من پیش روی پدرم ایستاده بودم و پدرم نماینده «عادل امام» بود (در خواب اسمش عادل امام بود) ولی نماینده نبود و گویی او صاحب شرکت بزرگی بود و می‌خواست به‌جای دوردستی سفر کند و تا آنجا که یادم هست، سفرش مدت‌زمان زیادی طول می‌کشید. او به من گفت: شما مسئول و مدیر شرکت خواهی شد. وی در خصوص این قضیه آسوده‌خاطر و مطمئن بود و گویی به من اعتماد داشت. من با لبخند به او گفتم: به خدا من از پس این کار بر نمی‌آیم و به او التماس کردم که از این کار معافم کند ولی او در کمال آرامش و اطمینان، بر کارش اصرار ورزید و من سرانجام موضوع را پذیرفتم. در آن هنگام برگشتم و بلافاصله دیدم یکی از نماینده‌ها با عادل امام در یکی از صحنه‌هاست. این شخص کچل بود و داشت درباره یک عدد که ۶۰۰۰۰۰۰ یا ۶۰۰۰۰۰ بود و الآن دقیقاً به خاطر ندارم صحبت می‌کرد. این فرد می‌خواست آخرین صفر عدد را حذف کند تا عدد کوچک شود. کار وی مشکوک بود و خودش هم این را می‌دانست. در نزدیکی او افراد دیگری بودند و گویی وی می‌خواست از آن‌ها کلاه‌برداری کند. وی گفت: اگر صفر را برداری عدد کوچک می‌شود و این مشکلی نیست. سپس تا آنجا که به یاد دارم، بعد از این قضیه می‌خواست آخرین صفر عدد ۵۰۰۰۰ را نیز بردارد تا عدد را به ۵۰۰۰ کاهش دهد. من به دلیل این کارش با او رویارو شدم و به وی گفتم از کارش دست بردارد و گویی من بر او تسلط و قدرتی داشتم. او برخلاف میلش از آن کار دست کشید. و الحمد لله رب العالمین.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يكون في رؤياك خير لك وبشرى من
الله بنصر دينه وإظهار الحق وإن كره الكافرون والمنافقون، واعلم أن
الأشخاص الذين تراهم في الرؤيا إن لم يكن لهم موضع فهو الاسم فقط،
أي أن المراد منهم هو الاسم فقط، فالملائكة يأخذون صوراً لها أسماء
مناسبة من صفحة وجودك ومما هو منطبع في ذاكرتك لإيصال ما يريدون
إيصاله لك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و
سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت،
خیری برای شما و بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگرچه
کافران و منافقان را ناخوش آید. بدان، اشخاصی که در خواب می بینی، اگر موضعی
نداشته باشند، صرفاً نامی بیش نیستند یعنی منظور از آنها فقط اسم است؛ فرشتگان
تصاویری برای این اسامی، متناسب با صفحه‌ی وجودی‌ات و آنچه که بر حافظه‌ی
شما نقش بسته است ترتیب می‌دهند تا از این طریق آنچه را که می‌خواهند به شما
برسانند.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.

